

نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی آسیا)

الهه مهربنیان* و سعیده مؤذنی** - به ترتیب مدیر و کارشناس گروه
سیاست‌های حمایتی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

چکیده

با وجود آغاز هزاره سوم و پیشرفتهای چشمگیر در امر آموزش، فناوری و دانش بشری، هنوز زنان، در بسیاری از کشورهای جهان، عمدتاً کشورهای توسعه نیافته و به ویژه در مناطق روستایی از شرایط زندگی مناسب، به نسبت سهمی که در گرداندن چرخ زندگی برعهده دارند، برخوردار نیستند. در این مطالعه، وضعیت و نقش زنان در کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی و نیز ایران بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که آموزش و تعلیم زنان روستایی یکی از عوامل مهم تولید نیروی کار ارزان در روستاها، و یکی از شاخصهای مهم رشد و توسعه اقتصاد کشاورزی است.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، کشاورزی، توسعه، ایران، آسیا.

* Email: mehrbanian@agri-peri-ir

** Email: s_moazeny2004@yahoo.com

مقدمه

امروزه در جوامع در حال توسعه با وجود پیشرفت فناوری و جایگزینی ماشین‌آلات در مزارع، بخش عمده‌ای از فعالیتهای زراعی، دامداری، فرآوری محصول پس از برداشت و بازاریابی را زنان انجام می‌دهند که در قبال آن مزدی دریافت نمی‌کنند. به علاوه زنان کار مداوم خانه‌داری و تربیت فرزندان و تأمین بخشی از امنیت غذایی خانوار را نیز برعهده دارند. به اعتقاد کارشناسان عدم پرداخت دستمزد به زنان در ازای فعالیت آنها در خانه و مزرعه، رقم تولید ناخالص ملی در اقتصاد کشورها را به شدت با خطا مواجه می‌سازد (عمادی، ۱۳۸۰).

برآوردها حاکی از آن است که زنان بخش مهمی از نیروی کار کشاورزی کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهند. زنان و به ویژه زنان روستایی به فعالیتهای مختلفی اشتغال دارند و غالباً وقت آزاد آنها بسیار محدود است، اما متأسفانه هیچ حقی بر زندگی و منابع تولیدی، درآمد و کار خود ندارند. در حال حاضر نکته مهمی که مورد نظر و پذیرش سازمان ملل بوده و در آمار و ارقام جهانی نیز مطرح است، لزوم توجه به نقش اساسی زنان روستایی در کشورهای آسیایی در فعالیتهای روزمره و تأثیر آنها بر آینده روستاهاست. با عنایت به این نکته که از نظر بهره‌مندی از امکانات از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند (همان).

در یکی از گزارشهای یونیسف چنین آمده است که: «در کشورهای در حال توسعه تعداد زنان باسواد، دوسوم مردان است و از ۹۶۰ میلیون بزرگسال بی‌سواد در جهان، ۶۴۰ میلیون نفر زانی هستند که یا هیچ‌گاه امکان رفتن به مدرسه را نداشتند یا مدرسه را ناتمام ترک کرده‌اند (صفری شالی، ۱۳۸۰). اهمیت نقش زنان روستایی در تولید مواد غذایی و برنامه‌های مختلف عمرانی، چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. شاید دلیل این بی‌توجهی آن است که عموماً محصول کار زنان روستایی در خانواده آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، زنان هنوز از روشهای کاشت سنتی که بازدهی بسیار پایین دارد و به میزان کار بیشتری نیازمند است، استفاده می‌کنند. علاوه بر این، کار کشاورزی آنان با فعالیتهای خانه‌داری همراه است که در نتیجه زحمت فوق‌العاده را بر آنان تحمیل می‌کند (کوسکی، ۱۳۶۸). برای بررسی میزان فعالیت و وضعیت مشارکت زنان روستایی و مشکلات آنها در جوامع در حال توسعه، مقاله حاضر عمدتاً به بررسی نقش و وضعیت زنان در کشورهای آسیایی و ایران می‌پردازد.

نقش زنان روستایی در کشورهای آسیایی و حوزه اقیانوسیه

زنان روستایی در عرصه کار و تلاش در جهان، مشارکت فعال داشته و بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند. این مسئله در کشورهای آسیایی و حوزه اقیانوسیه که شامل

پر جمعیت ترین کشورها و نیز دربرگیرنده قدرتهای اقتصادی جهان (ژاپن و چین) و نیز دارای اقتصاد روستایی است، نمود قابل توجهی دارد.

در بین کشورهای آسیایی و اقیانوسیه عضو سازمان FAO، ۲۱ کشور، کم در آمد و دچار سوء تغذیه و ناامنی غذایی شناخته شده اند که اقتصادشان همچنان وابسته به کشاورزی است (Krishnan, 2004). بر اساس گزارش UNDP در سال ۲۰۰۴، زنان به طور متوسط، ۵۰ درصد از تولیدات بخش کشاورزی را برعهده داشتند و به تفکیک، در مناطق حوزه صحرای آفریقا حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد، در آسیا ۶۵ درصد، در آمریکای لاتین و کارائیب ۴۵ درصد، در نیجریه ۸۰ درصد، در تونس ۸۰ درصد، در هند ۷۸ درصد، در چین ۷۶ درصد و در استرالیا ۴ درصد از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می دادند (ibid.) زنان روستایی در این کشورها ضمن برداشتن مسئولیتهای خود و انجام کارهای خانه، در مزارع نیز کارگری می کنند ولی از نظر شاخصهای توسعه انسانی (شامل زندگی سالم و عمر طولانی، با سواد و قدرت خرید مناسب)، عقب مانده محسوب می شوند. تفاوتهای بسیار زیاد فرهنگی، مذهبی و سنتی در شرق، جنوب شرقی، جنوب و آسیای مرکزی و اقیانوسیه در مدیریت جنسیتی، ضمن تأثیر مثبت، آثار تبعیض آمیز هم دارد (ibid.).

چالشهای موجود برای زنان روستایی

جدول ۱ شاخصهای توسعه انسانی^۲ و جنسیتی^۳ در کشورهای مختلف آسیایی و اقیانوسیه را نشان می دهد.

البته باید اذعان داشت که این دو شاخص با توجه به دسترسی و بهره مندی بیشتر زنان شهری به امکانات، نمی تواند بازگو کننده تفاوت بین زنان روستایی و شهری باشد و تبعیض بین روستاییان را به ویژه در مناطق جنوب آسیا پنهان داشته است.

به طور کلی وضعیت زنان روستایی در آسیا و اقیانوسیه بیشتر تابع قوانین عرفی جامعه است تا اصول بین الملل که در سطح جهان در کشورهای پیشرفته وجود دارد، همچنین نابرابری موجود در این جوامع در پشت تلاشهای بی وقفه و شدید زنان برای حفظ خانواده پنهان مانده است.

1. UNDP = United Nations Development Program

۲ - شاخص توسعه انسانی (HDI)، از اندازه گیری متوسط سه عامل به دست می آید: زندگی سالم و عمر طولانی (امید زندگی)، باسواد (میزان سواد بزرگسالان، سواد ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی) و سطح زندگی که با سهم در آمد سرانه یا قدرت خرید اندازه گیری می شود.

۳ - شاخص نسبی توسعه جنسیتی، با توزیع شاخص HDI بین زنان و مردان در یک ناحیه مشترک به دست می آید.

جدول ۱- وضعیت نسبی توسعه انسانی و جنسیتی در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه

کشور	شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۱)	شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۲)	شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۱)	شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۲)
ازبکستان	متوسط	متوسط	۸۶	۸۵
اندونزی	متوسط	متوسط	۹۲	۹۰
بنگلادش	کم	متوسط	۱۲۱	۱۱۰
برونان	کم	متوسط	-	-
پاکستان	کم	کم	۱۱۷	۱۲۰
تاجیکستان	متوسط	متوسط	۹۳	۹۳
تایلند	متوسط	متوسط	۵۸	۶۱
چین	متوسط	متوسط	۷۶	۷۱
ژاپن	زیاد	زیاد	۱۱	۱۲
قزاقستان	متوسط	متوسط	-	۶۳
فیلیپین	متوسط	متوسط	۶۲	۶۶
کامبوج	متوسط	متوسط	۱۰۹	۱۰۵
کره جنوبی	زیاد	زیاد	۲۹	۲۹
مالزی	متوسط	متوسط	۵۵	۵۲
نیپال	کم	متوسط	۱۲۰	۱۱۰
ویتنام	متوسط	متوسط	۸۹	۸۷
هند	متوسط	متوسط	۱۰۵	۱۰۲
کشورهای اقیانوسیه				
استرالیا	زیاد	زیاد	۲	۳
فیجی	متوسط	متوسط	۶۳	۶۹
زلاندنو	زیاد	زیاد	۱۷	۱۸

(منبع: گزارش UNDP به نقل از Krishnan, 2004)

تفاوت بین زنان و مردان در اقیانوسیه نسبت به آسیا کمتر است. زنان در اقیانوسیه در مناطق شهر و روستا از وضعیت مشابهی برای اشتغال برخوردارند و در نواحی پیشرفته شهری و روستایی به دلیل وجود شبکه قوی ارتباطی و اطلاعاتی، ارتباط بین زنانی که برای کار به شهر می‌روند و آنان که در روستا مانده‌اند بیشتر است.

جدولهای ۲ و ۳ نشان دهنده شاخص توسعه انسانی، امنیت غذایی، نرخ مشارکت زنان در اقتصاد و سهم اشتغال زنان روستایی است.

جدول ۲- وضعیت شاخص توسعه انسانی، امنیت غذایی و فعالیت مردان و زنان در بخش کشاورزی در کشورهای منتخب آسیا و حوزه اقیانوسیه

کشور	مردان	زنان	شاخص توسعه انسانی	امنیت غذایی	نرخ مشارکت زنان در اقتصاد	سهم اشتغال زنان روستایی
اندونزی	۱۱۱	پایین	۵۶	۶۸	۴۲	۴۱
ازبکستان	۱۰۷	پایین	۶۲/۸	۸۵	۳۵	۳۴
استرالیا	۳	-	۵۶/۴	۷۸	۴	۶
بنگلادش	۱۳۸	پایین	۶۶/۴	۷۶	۷۸	۵۴
بوتان	۱۳۴	پایین	۵۷/۱	۶۵	۹۸	۹۲
پاکستان	۱۴۲	پایین	۳۶/۸	۴۴	۶۶	۴۱
تاجیکستان	۱۱۶	پایین	۵۸/۵	۸۱	۴۵	۳۷
چین	۹۴	پایین	۷۲/۵	۸۶	۷۶	۶۹
جمهوری کره	۲۸	-	۵۲/۱	۷۱	-	-
ژاپن	۹	-	۵۱/۱	۶۸	۶	۵
قزاقستان	۷۸	-	۶۱/۲	۸۲	۵۳	-
قرقیزستان	۱۱۰	پایین	۶۱/۲	۸۵	۵۳	-
فیلیپین	۸۳	پایین	۴۹/۹	۶۱	۲۷	۲۷
کامبوج	۱۳۰	پایین	۸۰/۲	۹۷	۷۸	۶۹
مالزی	۵۹	-	۴۸/۹	۶۲	۱۵	۲۱
نیپال	۱۴۰	پایین	۵۶/۸	۶۷	۹۸	۹۱
زلاتندو	۱۸	-	۵۸	۸۰	۶	۱۱
ویتنام	۱۱۲	-	۷۳/۵	۹۱	۷۰	۷۱
هند	۱۲۷	پایین	۴۲/۴	۵۰	۷۴	۵۹

جدول ۳- اشتغال زنان در بخش کشاورزی در سالهای ۲۰۰۲-۱۹۹۵

کشور	تعداد زنان اشتغال در بخش کشاورزی (میلیون نفر)	تعداد کل زنان (میلیون نفر)
استرالیا	۳	۵۶
بنگلادش	۷۷	۱۴۴
پاکستان	۱/۳	۱۶۴
تایلند	۴۸	۹۵
جمهوری کره	۱۲	۱۲۵
ژاپن	۵	۱۱۳
فیلیپین	۲۵	۵۵
قرقیزستان	۵۳	۱۰۳
مالزی	۱۴	۶۸
مالدیو	۵	۳۱
زلاندنو	۶	۵۰

(منبع: گزارش UNDP به نقل از Krishnan, 2004)

قابل توجه است که در کشورهای مختلف در حال توسعه نیز وضعیت سواد زنان روستایی بسته به میزان باورها و سنتهای اجتماعی و نفوذ مردان و نگرش دولتها تغییر می کند. بنابراین مطابق جدولهای ۲ و ۳ و ۴، در کشورهای با درآمد پایین و دارای فقر غذایی و توسعه نیافته، سهم مشارکت زنان در بخش کشاورزی بیشتر و دسترسی زنان روستایی (علی رغم کار شدید) به منابعی مانند فناوری، سرمایه، خدمات حمایتی کشاورزی و اطلاعات ناچیز است که این مسئله منجر به بهره‌وری بسیار ضعیف کشاورزی و فقر پایدار در این کشورها شده است. در عین حال در برخی کشورها مانند اندونزی، تایلند، چین، تاجیکستان و ویتنام نرخ باسوادی زنان هر چند کمتر از مردان است ولی در حد بالایی قرار دارد. در ادامه به طور خلاصه وضعیت و نقش زنان در کشورهای مختلف بررسی می شود.

در جدول ۴ سطح سواد زنان و مردان در آسیا و اقیانوسیه نشان داده شده است:

جدول ۴ - سطح آموزش و سواد در آسیا و اقیانوسیه

اندونزی	۸۱/۳	۸۹	۸۳/۴	۹۰
ازبکستان	۸۴/۰	۹	۹۸/۹	۹۹
بنگلادش	۲۹/۳	۵۷	۳۹/۴	۶۲
پاکستان	۳۰	۵۱	۲۸/۵	۵۳
تایلند	۹۳/۵	۹۶	۹۰/۵	۹۵
تاجیکستان	۹۸/۷	۹۹	۹۹/۳	۱۰۰
چین	۷۵/۵	۸۳	۸۶/۵	۹۱
فیلیپین	۹۴/۹	۱۰۰	۹۲/۷	۱۰۰
مالزی	۸۲/۸	۹۱	۸۵/۴	۹۳
نیپال	۲۲/۸	۳۹	۲۶/۴	۴۳
ویتنام	۹۱	۹۵	۸۶/۹	۹۹
هند	۴۴/۵	۶۶/۵	-	-

(منبع: گزارش UNDP و FAO به نقل از Krishnan, 2004)

بنگلادش

در کشور بنگلادش زنان به طور سنتی نقش بسیار مهمی در رشته وسیعی از فعالیتهای درآمدزاد دارند. این فعالیتهای شامل برداشت، تغذیه دام، شیردوشی، چرای دام، پرورش مرغ و طیور، پرورش ماهی، زراعت، باغبانی، فرآوری مواد غذایی، بافتن ساقه‌های بامبو و نیشکر، نخ ابریشم، بافندگی، دوخت لباس، فرآوری ماهی، تولید نارگیل و صنایع دستی است. هر چند بخش قابل توجهی از زنان به ویژه زنان فقیر در مواقع خاص به کار در مزارع دیگران و کارهایی که معمولاً مردان انجام می‌دهند (کارهای وجین، نشاءکاری و غیره) رومی‌آوردولی بسیاری از آنان مزدی دریافت نمی‌کنند. در فرآیند تولید برنج، بین اعضای خانواده اعم از زن

و مرد که درگیر کاشت و آبیاری مزارع برنج می‌باشند، زنان نقش بیشتری نسبت به مردان در مراحل تولید برنج دارند (Krishan, 2004).

هند

بر اساس آمار رسمی، سهم زنان روستایی هند در سال ۱۹۹۶، در اشتغال ۲۲ درصد بوده است در حالی که میزان مشارکت غیر رسمی در مزارع در ایالت‌های مختلف این کشور متفاوت است و بستگی به میزان به کارگیری ماشین‌آلات در کشاورزی دارد. برای مثال در پنجاب که میزان استفاده از فناوری پیشرفته، بیشتر است مشارکت زنان در فعالیتها کمتر (۴/۲ درصد) و در مقابل در ایالت پرادش سهم زنان در تولید پنبه و بادام زمینی بسیار زیاد است (۴۲/۸ درصد). در هند مردان و زنان به فعالیت‌های کشاورزی مشغول هستند ولی نحوه تخصیص منابع و درآمد در حوزه حاکمیت مردان است. البته فعالیت‌های سخت مانند شخم زمین با مردان و عملیات کاشت، وچین و برداشت با زنان است (ibid.).

پاکستان

زنان این کشور نقش کلیدی در بخش کشاورزی دارند. ۱/۲ میلیون نفر از شاغلان زن در تولید غلات، سبزیجات و دامپروری فعالیت می‌کنند، نیمی از درآمد پنبه صادراتی پاکستان حاصل زحمات و کار زنان است و مراحل مراقبتی در تولید پنبه، سلامت تولید و کاربرد سموم حشره‌کش نیز در انحصار زنان می‌باشد. برخی مطالعات، تقسیم کار زنان و مردان در پاکستان را این‌گونه توصیف می‌کند: کار مردان، تجارت و فروش و کار زنان، پرورش محصول و کار در خانه است. زنان روستایی در جنوب آسیا، کارگران بدون مزد شناخته شده‌اند. در پاکستان در مقایسه با بخش‌های وسیعی از جنوب آسیا، هند و بنگلادش، به لحاظ باورهای اجتماعی، زنان از شرکت در جنبش‌های اجتماعی منع می‌شوند و با محدودیت‌های بسیاری مواجه هستند (ibid.).

مالزی

مالزی یکی از نمونه‌های موفق آسیایی در زمینه انتقال دانش و تغییرات بنیادی ساختار نیروی کار ظرف ۱۵ سال اخیر بوده است. البته پیش از این زنان کارگر مالزیایی بیشترین سهم را در کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری داشتند. آمار بخش کشاورزی نیز حاکی از شرکت زنان در سطوح مختلف تولیدی می‌باشد. زنان به شدت درگیر تولید غلات (در سطوح بزرگ و خرد)، کائوچو، کاکائو، نارگیل، قهوه، چای و دیگر محصولات درآمدزا هستند. در عین حال

مطالعات نشان می دهد علی رغم کاربرد ماشین آلات، هنوز مردان در بخش زراعت به نیروی کار خانواده به خصوص زنان متکی می باشند، به عنوان مثال در زراعت برنج نقش زنان کمتر شده ولی هنوز در سایر زراعتها زنان به میزان زیادی درگیر کار هستند (ibid.).

تایلند

در تایلند، نقش زنان در تولید و ایجاد درآمد در روستاها بسیار مهم است. در سال ۱۹۹۵، ۴۰ درصد از زنان در بخش کشاورزی شاغل بوده اند به طوری که تقریباً همه زنان صرف نظر از سن و جنس در مزارع کوچک فعالیت داشته اند. امروزه نیز میزان مشارکت زنان روستایی در رده سنی ۳۰ تا ۴۹ سال در نقش نیروی کار، بالای ۸۰ درصد است. همچنین زنان روستایی تایلند نقش اساسی در فرآیند تولید برنج شامل تهیه بستر بذر، نشاء کاری و وجین، عملیات کودپاشی، برداشت و تهیه بذر برعهده دارند. در مقایسه، مردان در مزارع مکانیزه شخم زمین را انجام می دهند. در باغات نیز تولید محصولات پر درآمد مانند بادام زمینی، کارهای سبک و دستی برعهده زنان و کارهای ماشینی برعهده مردان است برای مثال در تولید پایا، زنان، مسئول وجین علفهای هرز، هنگام برداشت هستند. در جنوب آسیا (مالزی، تایلند و ویتنام) زنان نقش مهمی در فرآوری و بازاریابی ماهی دارند (ibid.).

فیلیپین

حدود ۵۰ درصد زنان روستایی فیلیپین در سال ۱۹۹۷ به عنوان نیروی کار مشغول به فعالیت بوده اند. در سال ۱۹۹۲، ۲۵/۸ درصد از نیروی کار کشاورزی را زنان تشکیل می دادند. امروزه نیز زنان فیلیپینی نقش مهمی در بازاریابی و تولید محصولات کشاورزی و دامداری دارند. آنها در بخش ماهیگیری و باغداری مسئولیتهای چشمگیری برعهده دارند. در این کشور زنان و مردان بر حسب محدودیتهای جنسی، فعالیتها و مسئولیتهای مختلفی را در کشاورزی عهده دار هستند. برای مثال عملیات بهره برداری از زمین و مکانیزاسیون کشاورزی بیشتر برعهده مردان است و زنان به عملیات کاشت، وجین علف هرز و برداشت مشغول هستند. با این وجود دستمزدی که به آنان به عنوان نیروی کار پرداخت می شود بسیار کمتر از مبلغی است که واقعاً استحقاق آن را دارند، در مقابل مردان از حقوق بالاتر و اعتبار بیشتری برخوردارند. بنابراین برای حضور مؤثرتر زنان روستایی در این کشور لازم است اقداماتی در جهت بهبود درآمد و افزایش رفاه آنها انجام گیرد (FAO, 1992).

چین

چین با وسعت بسیار زیاد و تفاوت‌های بوم‌شناختی و زراعی در مناطق مختلف و با پرورش انواع محصولات راهبردی، موقعیتهای متفاوتی را برای زنان روستایی ایجاد کرده است. مطالعات نشان می‌دهد که ۵۶/۷ درصد زنان مشغول گرفتاریهای خانوادگی و تربیت بچه هستند تا تولید محصولات. همچنین در نواحی مختلف چین اختصاص وقت به فعالیتهای بیرون از خانه متفاوت بوده، و از میزان تحصیلات، آموزش و سن افراد تبعیت می‌کند. کارهای فصلی عامل دیگری در اشتغال زنان به شمار می‌آیند. در فصول پر کار کشاورزی زنان ممکن است ۸ الی ۱۰ ساعت در مزارع کار کنند، به عنوان مثال در مناطق کوهستانی چین زنان ۸۰ درصد کارهای مزارع از قبیل کاشت، مدیریت مزرعه، برداشت و بازار رسانی را انجام می‌دهند. در فصول بیکاری نیز دختران جوان در کارخانه‌ها به فعالیت می‌پردازند. در عین حال، با وجود اینکه مردان شانس بیشتری برای شرکت در امور بازار یابی در زمان بیکاری فصلی دارند، فشار برای استخدام زنان بیشتر می‌شود و تفاوت دستمزدها بین زنان و مردان با افزایش رونق بازاریابی کاهش می‌یابد (Krishnan, 2004).

زنان روستایی آسیای مرکزی

قزاقستان

در آمد بخش روستایی این کشور در سال ۱۹۹۸ به کشاورزی وابسته بوده و تقریباً نیمی از زنان روستایی به عنوان نیروی کار کشاورزی مشغول به فعالیت بوده‌اند. کشاورزان زن حدود ۳/۵ میلیون نفر از جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند که این رقم حدود ۴۶/۲ درصد کل جمعیت زنان این کشور است. در قزاقستان دستمزد کارگران کشاورزی در بین همهٔ بخشها از همه کمتر است و بنابراین مشکلات اقتصادی زیادی را به خصوص برای زنان روستایی ایجاد کرده است (ibid.).

قرقیزستان

زنان در این کشور از شرایط بهتری نسبت به قزاقستان برخوردارند. ۳۷/۵ درصد از زنان در بخش کشاورزی اشتغال داشته و به تولید و فروش محصولات باغی، دامی (لبنی) و زراعی مشغول‌اند (ibid.).

تاجیکستان

در این کشور مشارکت زنان در کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری طبق آمار رسمی از ۱۸/۸

درصد در سال ۱۹۹۱ به ۲۹/۳ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. متوسط در آمد ماهانه اکثر زنان روستایی ۶ دلار در سال ۱۹۹۸ بوده است. ۵۴/۱ درصد شاغلان کشاورزی را زنان و ۴۶/۲ درصد مردان تشکیل می دهند. ۸/۵ درصد از زنان نیز در مزارع استیجاری کار می کنند. وضعیت استخدام در بخش خصوصی نشان می دهد که در مزارع خصوصی ۲/۲ درصد مردان و ۲/۴ درصد زنان فعالیت دارند. با این وجود زنان از دستمزد پایین تری نسبت به مردان برخوردارند و پایین بودن دستمزد زنان، عامل مهمی برای اشتغال آنان در کارهای کم درآمد مانند آموزش و بهداشت و کارهای غیرتخصصی است (ibid.).

ترکمنستان

زنان در این کشور ۶۴ درصد نیروی کار مزارع خانگی را تشکیل می دهند. در این کشور گسترش زراعت خانگی و اجاره مزارع به علت وجود زنان و بچه‌هایی است که مزدی بابت کار خود دریافت نمی کنند (ibid.).

ازبکستان

در سال ۱۹۹۸، حدود ۳۹ درصد از کل جمعیت ازبکستان در بخش کشاورزی مشغول فعالیت بوده‌اند. مردان ۶۰/۳ درصد و زنان ۳۹/۷ درصد از کل نیروی کار بخش کشاورزی را شامل می شدند. در این کشور مردان به عنوان نیروهای متخصص و زنان به صورت نیروی کار غیرماهر و فصلی فعالیت دارند. امروزه با توسعه آزادسازی اقتصادی، موقعیت زنان مناسب تر شده و بنابراین بیشتر از فرصتهای شغلی در صنایع فرآوری و بازاریابی محصولات کشاورزی بهره‌مند می شوند (ibid.).

ارمنستان

در این کشور زنان عامل مهمی در فرایند رشد و توسعه کشور محسوب می شوند. زن روستایی در کشور ارمنستان علاوه بر انجام عملیات کشاورزی و دامداری، مسئولیت نگهداری بچه‌ها، آموزش آنها و ایجاد فرصت برای آموزش و تعلیم در آینده را نیز برعهده دارد. اگر چه در جامعه سنتی ارمنستان، مردسالاری هنوز حاکم است با این حال زنان نقش مهمی طی سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۲، در حفظ محیط زیست عهده‌دار بوده‌اند. همچنین زنان در این کشور نقش مؤثری در اقتصاد خانواده دارند. به نحوی که بیشتر از صدها خانواده به سازمانهایی برای تولید، فروش و بازاریابی محصولات کشاورزی و... تبدیل شده‌اند. برای مثال در اشاکان ارمنستان اتحادیه زنان به تهیه مواد خوراکی برای مدارس مشغول‌اند. در این کشور زنان

مروج نیز در روستاها به زنان روستایی آموزشهای مختلف می دهند. در نهایت در این کشور برای افزایش حضور زنان در مراحل تصمیم‌گیری و اجرایی در روستاها نیاز به رعایت اصول مهمی از قرار زیر است:

- توجه به مشکلات زنان روستایی در پروژه‌هایی که منجر به توسعه اقتصاد روستا می‌گردد؛
 - گسترش برنامه‌های ملی برای زنان در روستاها و اجرای کنفرانسهایی در مورد زنان و نقش آنان در جوامع روستایی؛

- تشکیل تعاونیهای سازماندهی شده برای زنان با مدیریت منطقه‌ای خود آنها؛
 - گسترش سازمانهای بین‌المللی برای زنان روستایی؛
 - اجرای برنامه‌ها و سمینارهای آموزشی در جهت افزایش آگاهی زنان روستایی؛
 - تهیه اطلاعات از زنان روستایی در سطح بین‌المللی (Gabayan and Hakobin, 1998).
 بنابراین مشاهده می‌شود که وضعیت زنان روستایی در آسیا، غالباً در فعالیت زیاد داخل مزرعه، خانه‌داری، عدم دریافت دستمزد کافی و نابرابری در دستیابی به منابع تولیدی (مانند اطلاعات، آموزش، خدمات عمومی مانند بهداشت) خلاصه می‌گردد. به طور مثال ۸۳ درصد زنان در بنگلادش، ۷۳ درصد در پاکستان و ۶۶ درصد در کامبوج بدون مزد، کار می‌کنند. در جوامع در حال توسعه، زنان در امر تولید، برقراری امنیت غذایی و محافظت از خانواده سهم عمده‌ای، حتی بیشتر از مردان برعهده دارند ولی باورهای سنتی جامعه و عدم شناخت صحیح از توانمندی زنان آنها را از دسترسی به منابع و خدمات مورد نیاز برای تولید بیشتر و افزایش بهره‌وری بازداشته است، که این مسئله منجر به دسترسی کمتر به منابع درآمدی، غذای کافی، ناپایداری امنیت غذایی، تخریب محیط زیست و کاهش رفاه خانواده می‌شود. از این رو دولت‌ها باید مداخلات حمایت‌گرانه خود از بخش کشاورزی را با شناخت اهمیت نقش زنان روستایی بر پایه موارد زیر برنامه‌ریزی نمایند:

توسعه و جمع‌آوری و تحلیل آمار جنسیتی در کشاورزی و سایر فعالیتهای تولیدی روستایی.
 توسعه برنامه‌هایی که در کار بدون دستمزد زنان، تحول ایجاد نماید.
 تشویق زنان روستایی به آموزش و دستیابی به اطلاعات و فناوری و فراهم ساختن مسیر مناسب برای ارتباطات.

افزایش سهم اقتصاد مناطق روستایی در اقتصاد ملی (Krishnan, 2004).

نقش زنان روستایی در کشورهای اروپایی در مقایسه با آسیا

اگر چه زنان روستایی اروپایی به نسبت درجه پیشرفت و توسعه یافتگی، از رفاه بیشتری در مقایسه با کشورهای آسیایی برخوردارند و لیکن هنوز به دلیل تسلط مدیریت مردان بر بخش

عمده فعالیتها، به ویژه در سطوح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری حضورشان ملموس نیست و زنان روستایی با چالشهای مشترکی روبه‌رو هستند (Prados, 1998; Lally, 1998).

فعالیت زنان روستایی در سایه خانواده و بدون دریافت مزد ادامه دارد و به عنوان نیروی اجتماعی شاغل، شخصیت مستقلی ندارند که این امر نه تنها ناشی از نگرشهای سنتی دیرپاست بلکه ریشه در عدم خوداتکایی و خودباوری زنان دارد. مسائل عمده زنان روستایی اروپا عبارت‌اند از:

- عدم وجود تسهیلات برای نگهداری بچه‌ها و آزاد شدن وقت زنان
- عدم دستیابی به فرصتهای برابر شغلی
- ساختار ضعیف ارتباطات عمومی و حمل و نقل و عدم دسترسی زنان به اطلاعات و مقررات شغلی
- حضور تعداد ناچیز زنان در ساختار مدیریت و مجالس نمایندگی محلی برای دسترسی به توسعه روستایی
- فقدان قانون و مقررات برای مالکیت زنان در مزارع
- بهره‌مندی زنان روستایی از رفاه اجتماعی کمتر در مقایسه با زنان شهری
- عدم دسترسی کافی زنان روستایی به آموزشهای شغلی
- دستمزد کمتر زنان نسبت به مردان
- بیشتر بودن حمایت‌های اجتماعی از زنان وابسته به مردان یا زنان متأهل و تحت قیومیت مردان (ibid.).

نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی ایران

کشاورزی از بخشهای مهم اقتصاد ایران است که تأمین‌کننده حدود یک سوم نیروی اشتغال، بیش از چهار پنجم نیازهای غذایی، نیمی از صادرات غیر نفتی و یک پنجم تولید ناخالص داخلی کشور است (نیک خلق، ۱۳۷۹). زنان روستایی در ایران علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی و صنایع روستایی در بخش خدمات روستایی نیز از گذشته نقشی فعال و چشمگیر داشته‌اند. تقسیم کار همیشه طوری انجام شده که بیشترین وظایف خدماتی بر دوش زنان بوده است. ارزش کار زنان در روستاها نه تنها از کار خدماتی مردان کمتر نیست، بلکه در بسیاری از موارد بیشتر است، زیرا انجام کار کشاورزی و دامداری وابسته به آماده شدن شرایط زندگی به دست زنان روستایی است. کار زن روستایی سخت‌تر از کارهای خدماتی زن شهری است. در کارهای خدماتی، زنان شهری (چه در خانه و چه در خارج از خانه) در مقایسه با زنان روستایی از وسایلی استفاده می‌کنند که زحمت کار آنها را کمتر می‌کند. طول زمان کاری زنان

روستایی بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت است (همان)، کارشان نیز یکنواخت تر از زنان شهری است، در نتیجه خستگی بیشتری را به همراه می‌آورد. در اغلب نقاط ایران، زنان مطابق با سنتهای جامعه خود به کارهای هنری دستی می‌پردازند. از دوختن لباس و بافتن پوشاک پشمی که گاهی نخ و رنگ آن را نیز خود تهیه می‌کنند، تا بافتن حصیر، گلیم، جاجیم و فرش از جمله فعالیتهای بارز آنان است.

بر طبق آخرین آمار رسمی و مستند، کل جمعیت زن و مرد روستایی در سال ۱۳۷۵، ۱۶۷۵۳ هزار نفر بود که در این میان جمعیت فعال روستایی، ۶۳۰۶ هزار نفر گزارش شده است. ۸۹۴ هزار نفر (تقریباً ۱۴ درصد) از جمعیت فعال را زنان روستایی تشکیل می‌دهند که ۷۶۶ هزار نفر از آنان شاغل و بقیه بیکارند. از کل جمعیت غیر فعال روستایی، ۱۰۲۵۷ هزار نفر مردهستند، ۷۳۵۹ هزار نفر زن می‌باشند، که ۱۶۴۵ هزار نفر آنها محصل و ۵۱۷۶ هزار نفر خانه‌دار هستند و بقیه نیز کمتر از ۶ سال سن دارند. شمار افراد با سواد روستایی ۱۳۶۶۱ هزار نفر می‌باشد که ۶۰۹۶ هزار نفر را زنان و ۷۵۶۵ هزار نفر را مردان تشکیل داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲). متناسفانه با تعریف مرکز آمار ایران از اشتغال، اصولاً زنان روستایی و کشاورز ایران در آمارها شمارش نمی‌شوند، زیرا از دیدگاه مرکز آمار «کار فعالیتی است که برای کسب درآمد صورت گرفته باشد»، که این تعریف موجب نادیده گرفتن سهم زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی خانواده و ارزش افزوده بخش کشاورزی و حذف تأثیر ارزش کار آنها در محاسبات ملی شده است. تحقیقات مرکز مطالعات و برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی حاکی است که زنان در استانهایی مانند بوشهر و هرمزگان، ۵۰ درصد نیروی کاشت، ۶۰ درصد نیروی داشت و ۶۵ درصد برداشت را تأمین می‌کنند. همچنین زنان در دامداری نیز نقش اصلی را ایفا می‌کنند، به طوری که حدود ۵۰ درصد نیروی کار دامداری در گیلان و مازندران و ۶۳ درصد نیروی کار مراقبت از دامها به عهده زنان است. همچنین جمع بندی این یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان حداقل ۵۰ درصد و در برخی موارد ۷۰ درصد نیروی کار کشاورزی را تأمین می‌کنند، ولی آمارهای ملی، تعداد زنان شاغل در بخش کشاورزی را حدود دویست هزار نفر و در کل بخش اشتغال، حدود ۸ درصد اعلام می‌کند. حال چگونه است که در آمار مربوط به اشتغال همواره زنان سهمی کمتر از ۱۰ درصد کل نیروی کار بخش کشاورزی را دارا هستند (دانیالی، ۱۳۸۵).

زنان روستایی با وجود نقش بسیار مهمی که در زندگی اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه دارند، در طول زندگی یکی از محروم‌ترین اقشار، در دسترسی به منابع و بهره‌گیری از فرصتهای توسعه بوده‌اند. زنان به شدت نیازمند آموزش اصول و فنون حرفه‌ای و انواع آگاهیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند. بنابراین ضروری است برای بهبود ارتقای کمی و کیفی کار، افزایش توانمندیها و رفع محرومیت‌های آنان و با توجه به پیشرفتهای جدید،

اطلاعات لازم به آنها ارائه شود تا از این طریق بتوانند تواناییهای لازم برای بهبود وضعیت زندگی، رفاه و آسایش خود و خانواده‌شان را کسب کنند.

طبقه‌بندی زنان روستایی در ایران

زنان روستایی از لحاظ طبقاتی متفاوت اند از این رو میزان سهم آنها در بخش کشاورزی نیز متفاوت است:

- ۱- زنان زمیندار روستایی؛
- ۲- زنان سرمایه‌دار کشاورز؛
- ۳- زنان سرپرست در جوامع روستایی؛
- ۴- زنان کارگر روستایی که بخش عمده‌ای از زنان روستایی را تشکیل می‌دهند؛
- ۵- زنان تولیدکننده مستقل روستایی (این طبقه از مهم‌ترین طبقات اجتماعی در روستاهای ایران هستند)؛
- ۶- زنان استخدام‌کننده روستایی؛
- ۷- زنان سهم‌بر روستایی؛
- ۸- زنان مستأجر روستایی؛
- ۹- زنان چندپایگاهی روستایی (این زنان به دلایل شرایط سخت زندگی شان در چند پایگاه اقتصادی اجتماعی به کار مشغول می‌باشند)؛
- ۱۰- زنان وابسته روستایی (لهسائی زاده، ۱۳۷۶).

اهمیت آموزش زنان روستایی در ایران

کارآمدترین عناصر کلیدی در هر روستا، زنان هستند که عهده‌دار امر تولید می‌باشند. در روستا در نقاطی که کار هست، زن روستایی، هم حضور دارد (وثوقی، ۱۳۷۷). وضعیت نه‌چندان مطلوب زنان روستایی در ایران، زائیده عدم شناخت کافی از زن و جایگاه او در جامعه و نیازهای گوناگون وی با توجه به وظایفی است که عهده‌دار است. عدم توجه به فرایند آموزشهای غیر رسمی برای زنان روستایی با توجه به نقش مهمی که در انجام فعالیتهای کشاورزی دارند نتایج زیانباری به همراه داشته است (وثوقی، ۱۳۷۷).

در نهایت باید گفت که از مقایسه وضعیت زنان در کشورهای مختلف و ایران می‌توان به این نتیجه دست یافت که به دلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی علاوه بر مشکلاتی که همانند زنان دیگر کشورها با آن روبه‌رو هستند زنان ایرانی نسبت به برخی از کشورها با مشکلات عدیده دیگری نیز مواجه‌اند. که در برنامه‌ریزیها حتماً باید به این نکات توجه کرد. ارزشیابی دقیق از

کار زن در خانواده سنتی روستایی امری دشوار به نظر می‌رسد زیرا وضعیت زن در خانواده روستایی به گونه‌ای است که خانه‌داری و کارهای تولیدی را با هم انجام می‌دهد. زن در عین حال که خانه‌دار است و در نگاه‌داری و تعلیم و تربیت اطفال وظیفه مهمی برعهده دارد، در امور زراعی، پرورش دام و طیور، صنایع دستی و گاه در فروش محصول و خرید مایحتاج خانواده نیز فعال است (نیک خلق، ۱۳۷۹).

زن در خانواده روستایی وظایف خانوادگی و تولیدی را با هم انجام می‌دهد، یعنی مانند سایر زنان، همسر، مادر و خانه‌دار است، ولی در عین حال نقش تولیدکننده را نیز دارد. ماهیت کار زن روستایی از نظر نحوه عرضه کار و هم از لحاظ میزان و ساعات کار و کیفیت، قابل مقایسه با کارهای صنعتی و خدماتی نیست (وثوقی، ۱۳۳۷). به خوبی آشکار است که زن روستایی پرکارترین و فعال‌ترین عضو جامعه روستایی است که مسئولیت امور داخلی و بخشی از امور خارجی منزل را هم برعهده دارد. با این تفاسیر اهمیت آموزش آنها غیر قابل انکار است.

اقدامات انجام گرفته در ایران

به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری، افزایش تولید و بهره‌وری روستاییان به خصوص زنان روستایی، در سال ۱۳۸۳، دوره‌های آموزشی برای تربیت و ساماندهی مروجان زن به تعداد ۶۵۵۶ نفر برگزار شده است. این مروجان که اغلب از بین زنان روستایی انتخاب می‌شوند، مسائل و موارد آموزشی، فرهنگی و ترویجی را آموزش می‌دهند. مروجان در روستاهای سرتاسر کشور فعالیت دارند و گام‌های مهمی در پیشرفت جایگاه زنان روستایی برداشته‌اند. با تشکیل کلاسهای آموزشی برای زنان روستایی ۱۵۷ نفر از زنان روستایی در کل کشور به مشاغل خانگی مانند قالببافی، صنایع دستی، تهیه مواد غذایی خانگی و ... روی آورده‌اند. همچنین ۱۷۴ هزار نفر نیز تحت آموزشهای مدیریتی و اقتصاد خانواده قرار گرفته‌اند.

جدول ۵، عملکرد طرح آموزش زنان روستایی و توسعه اشتغال خانگی به تفکیک استانهای کشور در سال ۱۳۸۳ را نشان می‌دهد:

جدول ۵ - عملکرد طرح آموزش زنان روستایی و توسعه اشتغال خانگی به تفکیک استانهای کشور (واحد نفر - روز)

۰	۳۲۱۰۵	۵۵۹۶	آذربایجان شرقی
۰	۲۷۸۰	۱۹۲۳	اردبیل
۲۰	۴۰۰	۱۶۹۶۸	اصفهان
۰	۰	۸۸۹۹	ایلام
۰	۰	۶۰۴۰	بوشهر
۴۰	۲۳۵۰	۵۸۰۵	تهران
۰	۷۰۷۰	۱۷۶۶۷	چهارمحال و بختیاری
۰	۱۲۰	۹۰۰۰	سمنان
۳۳۰	۹۲۰۱	۷۴۳۵	سیستان و بلوچستان
۳۵۲۴	۱۱۰۷۵	۳۴۷۶	قزوین
۰	۰	۲۱۲۶۵	کردستان
۳۶۴	۴۴۳۲۵	۱۴۰۴۴	کرمان
۷۲۰	۱۸۳۳	۰	کرمانشاه
۹۵	۷۵۱۵	۰	کهگیلویه و بویراحمد
۰	۵۳۲۵	۶۹۳۵	گلستان
۴۵	۱۶۲۶۹	۷۲۶۹	گیلان
۱۴۱۸	۱۲۸۰۹	۹۶۶	مازندران
۰	۵۷	۴۲۲۴	هرمزگان
۰	۶۲۴	۳۰۷۴	همدان
۰	۳۱۶۳	۹۳۸	یزد
۰	۰	۱۵۲۰۷	چیرفت و کهنوج
۶۵۵۶	۱۵۷۰۲۱	۱۷۳۸۳۱	جمع کل

(منبع: وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳)

شرکتهای تعاونی زنان روستایی در ایران

شرکتهای تعاونی زنان روستایی جهت سهولت فعالیتهای تولیدی و ایجاد شخصیت حقوقی از طریق سازمان مرکزی تعاون روستایی با اهداف زیر تشکیل شده است:

- ۱- ایجاد امکان فعالیت گروهی و استفاده از توان جمعی؛
- ۲- برخورداری زنان روستایی از شخصیت حقوقی در قالب فعالیتهای جمعی و گروهی؛
- ۳- ایجاد اشتغال در خانوارهایی که زنان، سرپرستی آن را به عهده دارند؛
- ۴- دسترسی به اعتبارات و امکانات تعاونی؛
- ۵- فراهم آوردن امکانات آموزشی موجود جهت ارتقای سطح دانش و بینش زنان.

برای تحقق اهداف فوق، تعداد ۱۸۱ شرکت تعاونی زنان روستایی با بیش از ۳۶۹/۶ هزار نفر عضو و ۵۱۷۹ میلیون ریال سرمایه و مجموع ذخایر ریالی ۲۵۴۱۵ میلیون ریال در سطح کشور تأسیس و مشغول فعالیت هستند. در جدول ۶ مشخصات عمومی شرکتهای تعاونی روستایی زنان به تفکیک استان تا پایان سال ۱۳۸۳ دیده می شود.

پیشنهادها

با توجه به نقش قابل توجه زنان روستایی در توسعه کشور موارد زیر پیشنهاد می شوند:

آموزش برای اصلاح نگرش نادرست نسبت به پایگاه اجتماعی زنان و تلاش در جهت تغییر نگرشها و رویه های تبعیض گرایانه ای که زنان را از اتخاذ ابتکار عملهای شخصی باز می دارد. تأکید بر نقش زنان روستایی در فرایند تولیدات کشاورزی و حساس کردن عموم به موقعیت آنها در جامعه از طریق خدمات اطلاع رسانی و آموزش روستاییان.

گسترش و تشویق مشارکت همه جانبه زنان و ایجاد انگیزه مشارکت فعالانه تر در عرصه تولید کشاورزی.

فراهم کردن شرایط لازم جهت پذیرش روشهای نوین تولیدی و آموزش فناوریهای مناسب برای زنان تولیدکننده.

گسترش آموزشهای غیر رسمی جهت بهبود مهارتها و افزایش تخصصها برای ایجاد کاهش در میزان ضایعات، از طریق کلاسهای آموزشی به وسیله مروجان.

فراهم آوردن امکانات کافی جهت دسترسی به آمار و اطلاعات در مورد زنان روستایی و به دنبال آن انجام تحقیقات مستند بر روی این موضوع.

جدول ۶ - مشخصات عمومی شرکتهای تعاونی روستایی زنان به تفکیک استان (واحد میلیون ریال)

۱۰	۱۲/۱	۲۳۷/۹	۱۹۴۷	۸	آذربایجان شرقی
۹	۴۴/۰	۲۴۹/۲	۱۳۲۶	۱۰	آذربایجان غربی
۶	۷/۱	۱۵۵/۶	۱۰۶۰	۵	اردبیل
۱۲	۲۰۰/۵	۴۹۰/۸	۲۵۵۸	۱۰	اصفهان
۲	۰/۴	۶۹/۶	۴۲۰	۳	ایلام
۲	۰	۲۵/۱	۹۱	۱	بوشهر
۴	۱۶/۴	۵۳/۷	۱۷۲۱	۵	تهران
۲	۷۰/۱	۲۵۷/۶	۱۳۵۴	۵	چهارمحال و بختیاری
۹۰	۱۴۲/۴	۴۱۷/۲	۴۰۹۸	۱۶	خراسان
۵	۴۵۴/۸	۴۳۶/۴	۲۹۲۰	۹	خوزستان
۳	۰/۳	۳۹/۱	۳۵۲	۵	زنجان
۶	۸۴/۸	۱۳۳/۴	۱۷۸۹	۵	سمنان
۲	۳/۷	۱۶/۷	۳۴۰	۱	سیستان و بلوچستان
۳۲	۱۱۳/۰	۷۰۴/۵	۳۸۳۴	۱۷	فارس
-	۰	۱۳/۳	۲۶۵	۲	قزوین
۱۲	۱۰/۳	۳۲/۳	۴۳۰	۴	قم
۲	۱۴/۸	۱۶/۳	۲۵۱	۲	کردستان
۱۱۸	۲/۱	۲۸۱/۳	۲۱۵۰	۲۰	کرمان
۷	۸۲/۸	۸۶/۱	۷۷۹	۷	کرمانشاه
۲	۵/۷	۸۵/۵	۵۱۳	۲	کهگیلویه و بویراحمد
۱۳	۱۰۹/۹	۲۵۴/۲	۱۶۲۴	۶	گلستان
۱۱	۵۳/۴	۳۶۶/۵	۲۱۱۰	۱۰	گیلان
۵	۱۹/۲	۱۰۶/۳	۶۹۸	۷	لرستان
۷	۸۸/۷	۳۲۵/۷	۱۴۹۱	۷	مازندران
۳	۳/۶	۱۶/۲	۴۶۵	۴	مرکزی
۴	۱۶/۹	۲۱۰/۳	۹۷۲	۴	هرمزگان
۴	۰/۳	۶/۱	۴۸۶	۴	همدان
۱	۰/۳	۱۰/۵	۲۰۵	۱	یزد
۲	۰	۲۷/۶	۳۴۱	۱	جیرفت و کهنوج
۳۷۶	۱۵۵۷/۹	۵۱۷۹	۳۶۵۹۰	۱۸۱	جمع کل

(منبع: وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳)

منابع

- ۱- دانیالی، ت. (۱۳۸۵)، طرح آموزش زنان تسهیلمگر توسعه روستایی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.
- ۲- صفری شالی، ر. (۱۳۸۰)، «نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی». مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر امور زنان روستایی و عشایر.
- ۳- عمادی، ح. (۱۳۸۰)، «مشارکت زنان در توسعه روستایی». مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر امور زنان روستایی و عشایر.
- ۴- کوشکی، م. (۱۳۶۸)، «تلاشهای فراموش شده زنان در عرصه کشاورزی». ترجمه پروین معروفی، زیتون. شماره‌های ۹۴ و ۹۵.
- ۵- لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۷۶)، «بررسی پایگاه طبقاتی زنان روستایی، گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰». فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. ش ۳.
- ۶- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، سالنامه آماری. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۷- نیک خلق، ع. الف. (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات چاپخش.
- ۸- وثوقی، م. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات کیهان.
- ۹- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۳)، آمارنامه وزارت جهاد کشاورزی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.

- 10- FAO (1992), **Philippines - Women Agriculture and Rural Development**. Rome: FAO, Sustainable Development Department, FAO Corporate Document Repository.
- 11- Gabayan, I. and Hakobian, L. (1998), **Rural Women's Participation in Desicion - Making in Armania**. Rome : FAO, FAO Corporate Document Repository.
- 12- Lally, M. (1998), **Rural Women's Participation in Desicion - Making in Ireland**. Rome: FAO, FAO Corporate Document Repository.
- 13- Prados, M. J. (1998), **Rural Women's Participation in Desicion - Making in Spain**. Rome: FAO, FAO Corporate Document Repository.
- 14- Krishnan, R.B. (2004), **Rural Women and Food Security in Asia and the Pacific; Prospects and Parradoxes**. Bangkok: FAO, Regional Office for Asia and the Pacific.